

چهارتالیسمانیه میاموتو

نیم قرن با ایران

www.ketab.ir

سرشناسه: میاموتو، چیبا • عنوان و نام پدیدآور: چیبا سلیمانیه میاموتو، نیم قرن با ایران / [چیبا میاموتو]؛ مقدمه‌ها احمد نادعلیان، پرویز کلانتری، محمدرضا شفیعی‌کدکنی؛ ترجمه فارسی به ژاپنی و انگلیسی: کیمیا سلیمانیه؛ ترجمه ژاپنی به انگلیسی: یوکو واتانابه؛ ترجمه ژاپنی به فارسی علی سلیمانیه؛ ویرایش فارسی ایرج پارسی‌نژاد؛ ویرایش انگلیسی لوسی دیویس. • مشخصات نشر: تهران: انتشارات بدون، ۱۴۰۰.
• مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص:، مصور (رنگی) • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۱۴-۲۶-۴ • وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا • یادداشت: ژاپنی - انگلیسی - فارسی • موضوع: نقاشی‌های ژاپنی • موضوع: "Paintings, Japanese" • شناسه افزوده: نادعلیان، احمد، ۱۳۴۲-، مقدمه‌نویس • شناسه افزوده: کلانتری، پرویز، ۱۳۱۰-۱۳۹۵، مقدمه‌نویس • شناسه افزوده: شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، ۱۳۱۸-، مقدمه‌نویس • شناسه افزوده: سلیمانیه، کیمیا، ۱۳۵۴-، مترجم • شناسه افزوده: واتانابه، یوکو، مترجم • شناسه افزوده: Watanabe, Yoko • شناسه افزوده: سلیمانیه، علی، ۱۳۴۷-، مترجم • رده‌بندی کنگره: NDI۰۵۰ • رده‌بندی دیویی: ۷۵۹/۹۵۴ • شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۵۶۷۹ • اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

www.ketab.ir

چیبا سلیمانیه میاموتو نیم قرن با ایران



نشر بدون

مقدمه‌ها: احمد نادعلیان - پرویز کلانتری - محمدرضا شفیعی‌کدکنی

ترجمه فارسی به ژاپنی و انگلیسی: کیمیا سلیمانیه

ترجمه ژاپنی به انگلیسی: یوکو واتانابه

ترجمه ژاپنی به فارسی: علی سلیمانیه

ویرایش فارسی: ایرج پارسی‌نژاد

ویرایش انگلیسی: لوسی دیویس

عکاسی آثار: نادر سماواتی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۱۴-۲۶-۴

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

آماده‌سازی و چاپ: چاپ و نشر نظر

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

همه حقوق این کتاب متعلق به ناشر و محفوظ است.

نشر الکترونیکی و هرگونه برداشت از متن و تصاویر بدون اجازه کتبی صاحب اثر مجاز نیست.

نیم قرن با ایران

همسر، مادر، نقاش

هر وقت به چین و چروک‌های دستم نگاه می‌کنم می‌بینم شاید گذشته من به این صورت ثبت شده باشد.

پس از جنگ جهانی دوم در شهر شیراهامای ژاپن به دنیا آمدم. از بچگی دلبسته نقاشی بودم.

وقتی دیدم که در مدرسه، معلم، نقاشی مرا برای نمایش روی دیوار مدرسه انتخاب کرده خیلی خوشحال شدم. من از همان زمان بچگی از بوی مرکب مشق خط خوشم می‌آمد و از حرکت قلم‌مو و زیبایی سایه‌ها بر کاغذ ژاپنی لذت می‌بردم. حاصل توجه من به هنر خطاطی در مدرسه جایزه‌های زیادی بود که نصیبم می‌شد. این بود که من بعدها جذب هنر نقاشی شده و این راه را انتخاب کردم. بهترین استادی که در هنر نقاشی داشتم آقای ای‌چیرو شینازومی بود که من طرز نگاه را از او آموختم. استاد شینازومی به من یاد داد که در هنر نقاشی چگونه حقیقت اشیا را بدون واسطه ببینم. او می‌گفت برای کشف حقیقت از واقعیت مناظر و مرا یا باید از جانت مایه بگذاری. من پس از پنجاه سال حرف این استاد را به یاد دارم و می‌کوشم آن را به کار بندم.

در جوانی با دانشجوی ایرانی آشنا شدم. عاشق او شدم و تصمیم به زندگی با او گرفتم. از این زمان بود که زندگی من دگرگون شد. به رغم مخالفت پدر و مادر و خویشانم، در بهار ۱۹۷۳، در فصل شکوفه‌های گیلاس همراه او از کیوتو راهی ایران شدم.

نیمه شب بود که به تهران رسیدیم و از فرودگاه مهرآباد روانه خانه‌ی خانواده همسرم شدیم. در تاکسی دوست راننده هم در کنار او نشسته بود و شروع به سؤال پرسیدن کرد و اولین سؤالش این بود که از کجا آمده‌ایم. لحظات ورود متوجه خون‌گرمی و مهربانی مردم ایران شدم که بی‌هیچ آشنایی قبلی با پرسش‌های خود می‌خواستند با ما طرح دوستی بریزند. در راه از پنجره تاکسی، در فضای نیمه تاریک، متوجه درخت‌های کاج وسط یکی از بلوارها شدم و حس خوبی به من دست داد. تا آن زمان گمان من این بود که کاج درختی است که تنها در چین و ژاپن بار می‌آید. سه ساعت از نیمه شب گذشته بود که به خانه مادر بزرگ و خاله همسرم که در حوالی کاخ نیاوران بود رسیدیم. گرمی و مهربانی بسیار آنها در استقبالشان با آغوش باز هرگز از یادم نمی‌رود. در راهرو ورودی آن خانه بزرگ چلچراغی نظرم را جلب کرد که نور آن بر قالی زیبای ایرانی، طرح بته‌جقه قالی را نشان می‌داد. آنچه که می‌دیدم با آنچه شنیده بودم تفاوت بسیار داشت. روز بعد بود که پدر، مادر و خواهران همسرم از کاشان آمدند. دیدن چهره مهربان پدر و نگاه‌های کودکانه خواهرها برایم دلنشین بود. پس از یک هفته اقامت در تهران راهی کاشان شدیم. در مسیر تهران به کاشان تپه‌های قهوه‌ای رنگی را می‌دیدم که در هزاره‌های پیشین شاید از دسترس آدمی دور مانده بود و چهره واقعی زمین را می‌نمود. دیدار یکنواخت این کویر برهوت حس اضطراب را به من القاء کرد، اما حضور همسر مرا آرام کرد.

کاشان با سقف‌های گنبدی شکل آن، که گاهی با کاشی‌های آبی خوشرنگ پوشیده بود، چشم‌اندازی دلنشین داشت، تا آنجا که حس کردم کاشان به راستی شهر زیبایی است.